

# قتل فجیع زن مجرول البرویه

## پلیس از شهروندان کمک خواست



سیاه با نوار زرد رنگ و تاپ شر شره ای سبز رنگ نازک به تن داشت، در مکان دیگری به قتل رسیده است و سپس عامل یا عاملان جنایت جسد او را در اطراف کوره های آجرپزی رها کرده اند. در همین حال قاضی ویژه قتل عمد مشهد دستور انتشار تصاویری از جسدرا در روزنامه خراسان صادر کرد تا کسانی که از هویت این زن جوان اطلاعی دارند با شماره تلفن های ۱۱۰، ۲۱۸۲۵۲۹۰ و ۲۱۸۲۵۲۶۷ یا ۰۹۳۶۳۲۵۷۴۶۸ تماس بگیرند.

**ساجدی** - پلیس آگاهی خراسان رضوی از شهروندان خواست چنان چه اطلاعاتی درباره زن مجهول الهویه ای دارند که جسدوی در کنار گذر شمالی مشهد کشف شده است، با پلیس تماس بگیرند. به گزارش روزنامه خراسان، جسد این زن جوان که به طرز فجیعی به قتل رسیده است، نوزدهم خرداد داخل کوره های آجرپزی در جاده شترک واقع در محور معروف به کمر بند سبز کشف شد. این زن که لباس منزل مانند شلوار ورزشی

## نقابداران سیاه پوش دستگیر شدند

# ماجرای دستبرد میلیاردری به جواهرسازی!

آن بود که یکی از سارقان وارد فروشگاه موتورسیکلت در اطراف پنجره مشهد شده است بنابراین وی در یک عملیات و بررسی سرنخ های به جا آمده ها، به محاصره پلیس درآمد که برای فرار از جنگ قانون، ناگهان قمه ای را از کمرش بیرون کشید و به طرف نیروهای شناسایی حمله ور شد اما کارآگاهان با استفاده از فنون دفاع شخصی، وی را زمین گیر کردند و در حالی به مقر انتظامی انتقال دادند که در بازرسی بدنی از وی تعدادی از انگشترهای سرقتی کشف شد. از سوی دیگر نیز آخرین عضو باند در منطقه سیدی مشهد به دام افتاد و بدین ترتیب در بازرسی از درون نور مخفی های پذیرایی منزل مسکونی و درون عروسک خرسی، مقادیر دیگری از طلاهای سرقتی کشف شد. بررسی های پلیس درباره سوابق اعضای این باند بیانگر آن بود که دو تن از اعضای معتاد باند نقابداران سیاه پوش سوابق کیفری دارند که قبلاً نیز توسط پلیس دستگیر و روانه زندان شده اند. بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، تحقیقات بیشتر در این باره همچنان ادامه دارد.

عین حال نیروهای پلیس باواکاوای های دقیق و اثر برداری از خودروی سرقتی و بررسی سرنخ های به جا آمده ها، به محاصره پلیس درآمد که برای فرار از جنگ قانون، ناگهان قمه ای را از کمرش بیرون کشید و به طرف نیروهای شناسایی حمله ور شد اما کارآگاهان با استفاده از فنون دفاع شخصی، وی را زمین گیر کردند و در حالی به مقر انتظامی انتقال دادند که در بازرسی بدنی از وی تعدادی از انگشترهای سرقتی کشف شد. از سوی دیگر نیز آخرین عضو باند در منطقه سیدی مشهد به دام افتاد و بدین ترتیب در بازرسی از درون نور مخفی های پذیرایی منزل مسکونی و درون عروسک خرسی، مقادیر دیگری از طلاهای سرقتی کشف شد. بررسی های پلیس درباره سوابق اعضای این باند بیانگر آن بود که دو تن از اعضای معتاد باند نقابداران سیاه پوش سوابق کیفری دارند که قبلاً نیز توسط پلیس دستگیر و روانه زندان شده اند. بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، تحقیقات بیشتر در این باره همچنان ادامه دارد.



اگر چه روز بعد از این ماجرا خودروی سرقتی در یکی از خیابان های خلوت مشهد کشف شد زیرا دزدان مذکور پس از دستبرد به کارگاه طلا و جواهرسازی، خودرو را در شهر رها کرده بودند. گزارش روزنامه خراسان حاکی است در

سید خلیل سجادپور - ۳ عضو یک باند سرقت که با نقشه ای زیرکانه به کارگاه جواهرسازی در مشهد دستبرد زده بودند، در حالی با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدند که اموال سرقتی را درون عروسک خرسی و نور مخفی پذیرایی منزل مسکونی پنهان کرده بودند. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، بامداد نوزدهم خرداد گذشته، گزارش دستبرد به کارگاه جواهرسازی، نیروهای گشت پلیس را به خیابان خسروی مشهد کشاند. در بررسی های مقدماتی مشخص شد سارقان قفل های کارگاه طلا و جواهرسازی را تخریب کرده اند و مقادیر زیادی طلا و جواهر شامل ۸۷ عدد انگشتر، ۶ عدد شمش، ۱۵۰ گرم خاک طلا (تراشه های حاصل از تراشکاری ساخت زیورآلات)، ۲ کیلوگرم زعفران، ۲ دستگاه جواهرسازی و غیره را به سرقت برده اند. بررسی های بیشتر در محل وقوع سرقت بیانگر آن بود که سارقان برای آن که شناسایی نشوند، دوربین های مدار بسته کارگاه را نیز به همراه تجهیزات آن سرقت

## ۴ کشته در تصادف سمند با کامیون



رئیس پلیس راه انتظامی استان از بر خورد یک دستگاه خودروی سمند با کامیون در محور ارومیه - سلماس خبر داد که متأسفانه این سانحه ۴ کشته به جا گذاشت. به گزارش فارس، رضایانهی مقدم اظهار کرد: در پی تماس های مردمی با مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره تصادف منجر به فوت در

محور «ارومیه - سلماس»، عوامل انتظامی و پلیس راه برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. وی افزود: پس از حضور کارشناسان پلیس راه در محل حادثه مشخص شد به علت بر خورد یک دستگاه خودروی سمند با کامیون، متأسفانه خودروی سمند آتش گرفته است و ۴ نفر سرنشین آن در دم فوت کرده اند. رئیس پلیس راه انتظامی استان ادامه داد:

## آگهی فروش

**فروش تعداد محدودی از واحد های مسکونی پروژه های :**

**فجر پنج ( قاسم آباد، بلوار شهید رفیعی، رفیعی ۷ )**

**نسیم ( بزرگراه آیت ... هاشمی رفسنجانی، انتهای بلوار عصمتیه )**

**ارمغان ( میدان نمایشگاه، روبروی پارک چهل بازه )**

**تلفن تماس : ۰۵۱۳۸۹۱۵۴۴۴ - ۰۹۰۲۹۶۶۰۰۴۶**

**دفتر فروش : بلوار وکیل آباد، نبش وکیل آباد ۵۱، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی**

**روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی**



در امتداد تاریکی

## عشق هیجانی!

زمانی که عاشق پسر همسایه شدم حتی معنی «عشق» را هم نمی دانستم. هیجانان روحی و روانی دوران نوجوانی را به رویاها و آرزوهای خیالی خودم گره زده بودم و آن ها را «عشق» می نامیدم به گونه ای که برای رسیدن به خواسته ام، همه چیز را زیر پا گذاشتم و با وجود همه مخالفت های پدرم، به تنهایی پای سفره عقد نشستم اما این رفتار های جنون آمیز به جایی رسید که اکنون از سایه شوهرم نیز می ترسم و... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۱ ساله ای که مدعی بود از ترس «مرگ» یا کابوس های وحشتناکی در گیر شده است، درباره سرگذشت عبرت آموز خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری معراج مشهد گفت: پدرم به شغل شریف پاکبانی در شهرداری مشغول است و مادرم نیز به دلیل سکنه مغزی چند سالی گوشه اتاق افتاده بوده به سختی روزگار می گذراند و به دلیل همین بیماری در همان سنین جوانی من و دو خواهر و برادرم را تنها گذاشت و از دنیا رفت. آن زمان در یکی از روستاهای اطراف شهرستان چناران زندگی می کردیم اما به دلیل بروز خشکسالی و کمبود آب کشاورزی، بیشتر اهالی به شهر مهاجرت می کردند و به مشاغل کاذب رومی آوردند. در این میان برادر و خواهر من نیز مانند خیلی از جوانان روستا عازم مشهد شدند و در آن جا هم از دواج کردند. از سوی دیگر هنوز مدت زیادی از مرگ مادرم نگذشته بود که پدرم با یکی از دختران روستای محل زندگی مان از دواج کرد. با آن که پدرم خیلی زیاد با آن دختر تفاوت سنی داشت اما «ترلان» دختری بسیار مهربان و باوقار بود و مرا مانند دختر واقعی خودش دوست داشت. این در حالی بود که پدرم در روستا درآمدی نداشت و «ترلان» روزهای سختی را می گذراند ولی خودش کار می کرد تا خانواده همسرش را سروسامان بدهد. وقتی دختر «ترلان» به دنیا آمد من هم او را مانند خواهر واقعی تصور می کردم و هیچ گاه احساس دیگری به او نداشتم و با وجود این دلم به حال «ترلان» می سوخت چرا که فکر می کردم قصه ای یغصه دار در چون به خاطر وضعیت خانواده اش خواستگاری نداشت و بالاخره مجبور شد با پدر میان سال من از دواج کند!

خلاصه سال ها به همین ترتیب گذشت و من هم به سر نوشت زن پدرم دچار شدم چرا که آرام آرام به چهارمین دهه زندگی ام نزدیک می شدم در حالی که خواستگار مناسبی نداشتم. در همین روزها بود که خواهرم از من خواست به مشهد بیایم و در یک کارگاه تولیدی کار کنم. من هم که دیگر از نگاه های طعنه آمیز دیگران خسته شده بودم، بلافاصله بار و بندیل را بستم و راهی مشهد شدم. مدتی در کنار خواهرم زندگی کردم که یک روز زن برادرم مرا با مردی به نام «جعفر» آشنا کرد که همسرش را طلاق داده بود. او شغل آزاد داشت و بعد از جدایی از همسرش مجبور بود از ۳ فرزند قد و نیم قد خود مراقبت کند. طولی نکشید که با اصرار زن برادرم پای سفره عقد نشستم چرا که خانواده ام معتقد بودند دیگر سن ازدواج گذشته است و بهتر از «جعفر» کسی به خواستگاری ام نمی آید!

به همین دلیل من هم دوراهی تردید را پشت سر گذاشتم و تصمیم خودم را گرفتم. بعد از مراسم عقد کنار که فقط با حضور چند نفر از اعضای خانواده من و جعفر برگزار شد، از او خواستم تا فرزندانش را برای آشنایی نزد من بیاورد ولی او ادا عا کرد و در اوایل زندگی مشترک دوست دارم تنها باشیم! او مردی زیرک و چرب زبان بود به گونه ای که مرا با همین حيله گری ها فریب داد و حتی یک حلقه ساده طلا یا حتی یک قواره پارچه چادری بر ایام نخرید. او به بهانه این که هر چه درآمد در برای مهریه به همسر سابقش می پردازم، مرا خام کرد و مانند یک بیوه زن به خانه بخت رفتم. با همه این که لطیفی ها با من من سکوت کردم و بدین ترتیب زندگی مشترک ما در حالی آغاز شد که او یک ماه بعد دو پسر و یک دخترش را به خانه آورد اما در میان حیرت و ناباوری دیدم که پسر ۵ ساله او دچار بیماری جسمی و روانی است! نمی دانستم با این حيله گری و پنهان کاری همسرم چه کنم! دلم شکسته بود و از سوی دیگر هم آن کودک را نیازمندتر حم و محبت می دیدم و ولی پدرم را به حدی بود که رفتارهایش کنترل نمی شد. او را در آغوش می گرفتم و برای درمان به کلینیک های روان پزشکی می بردم با وجود این اگر مصرف داروهایش به تأخیر می افتاد، دیگر نمی توانستم رفتارهای خطرناک «داریوش» را کنترل کنم. وقتی مشکلات را با همسرم در میان گذاشتم ناگهان او به شدت عصبانی شد و فریاد زد که باید این شرایط را تحمل کنی! خلاصه کار به جایی رسید که یک بار در تصمیمی احمقانه دست به خودکشی زدم ولی اطر افيان به دادم رسیدند و با انتقال به موقع به مرکز درمانی، از مرگ حتمی نجات یافتم ولی رفتار های پر خاشگروانه «جعفر» نه تنها تغییری نکرد بلکه دیگر مخارج زندگی را هم نمی پرداخت و مرا مجبور می کرد تا از بستگان و نزدیکانم پول بگیرم و حتی تهدید می کرد که باید از نزه پدري ام را بگیرم تا او مدتی با آن روزگارش را بگذراند و...

این بود که بالاخره تصمیم گرفتم اسرار زندگی غمبارم را برای خانواده ام بازگو کنم و سپس دادخواست طلاق بدهم تا...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است به دنبال اظهارات این زن جوان، تلاش های کارشناسان و مشاوران دایره مددکاری اجتماعی با راهنمایی ها و دستورهای ویژه سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری سپاد) برای کمک های قانونی و کنکاش های روان شناختی در این پرونده آغاز شد.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

کلانتری  
۴۱ رسالت

خاشیه در حادثه

خیابان می آمد و می با چاقو لاستیک چند خودرو را پاره می کردم. یک بار هم بعد از شکستن آینه بغل خودرو، می خواستم آن را آتش بزنم که منصرف شدم و حالا هم پشیمانم...

در همین حال مادر دزد جوان که مضطرب و نگران خود را به کلانتری رسانده بود، به افسر تجسس گفت: می دانستم اموالی را که بپسرم به خانه می آوردم سرتی هستند به همین دلیل هم دور از چشمان پسرم و به طور پنهانی آن اموال را تحویل نیروهای بسیجی می دادم.

جوان راهی کلانتری شد. عقربه های ساعت اوایل بامداد ارثان من می داد اما هنوز افسران دایره تجسس در حال تحقیق از متهمان و رسیدگی به شکایت های مردم بودند. دزد جوان هم که روی صندلی بازجویی نشسته بود، به افسر پرونده اش گفت: تاکنون دوبار به مغازه ها دستبرد زده ام، یک بار چند حلقه لاستیک پر اید در دیدم و یک بار هم دستگاه کارت خوان نانوایی را به سرقت بردم ولی شب هایی که وضعیت روحی مناسبی نداشتم به

**سجادپور** - نیمه شب سی ام خرداد بود که نیروهای گشت کلانتری رسالت مشهد جوانی را دستگیر کردند که قصد سرقت از یک خودرو را داشت. در بازرسی بدنی از وی کارت سوخت و یک عدد فلش کشف شد که مربوط به همان خودروی پارک شده بود. وقتی مالک خودرو خواب آلود از خانه بیرون آمد و پلیس را در کنار خودرواش دید که از سرقت آن جلوگیری کرده بود، لبخندی تشکرآمیز بر لبانش نقش بست و برای شکایت از دزد

## جلوگیری از خروج ۲۸۷ هزار لیتر سوخت قاچاق به خارج از کشور

روزه امنیت محله مجبور با استفاده از تمام ظرفیت نیرویی و پشتیبانی پلیس سراسر استان کرمان به مرحله اجرا درآمد و نمایشگاه دستاوردهای این طرح به طور همزمان در ۲۳ شهرستان با حضور اعضای شورای تأمین بر پا شد. وی افزود: طی این طرح با تلاش های وقفه نیروهای انتظامی ۲ تن و ۶۰۰ کیلو انواع مواد مخدر کشف و با دستگیری ۲۳۱ سارق، بیش از ۵۰۷ فقره انواع سرقت منزل و

توکلی - در طرح ارتقای امنیت اجتماعی استان کرمان ۲۸۷ هزار لیتر سوخت قاچاق کشف شد. به گزارش خراسان، جانشین فرماندهی انتظامی استان کرمان، برخی از مهم ترین نتایج طرح اخیر ارتقای امنیت اجتماعی استان را تشریح و بر استمرار هدفمند این طرح ها تأکید کرد. سردار روانبخش ادامه داد: در اجرای ارتقای امنیت اجتماعی و افزایش رضایتمندی مردم طرح

کارشناسان پلیس راه علت اصلی این حادثه را بی مبالایی و انحراف به چپ از سوی راننده سمند اعلام کردند. پناهی مقدم در پایان از همه رانندگان خواست از سرعت و سبقت غیر مجاز حین رانندگی پرهیز و با صبر و حوصله رانندگی کنند، همچنین با حفظ فاصله ایمن با خودروهای جلوتر، به حقوق دیگران احترام بگذارند.

## اختلاف خانوادگی منجر به قتل ۳ جوان در شهرستان صحنه شد

استفاده از سلاح شکاری پران اقدام به تیراندازی می کند که سه نفر که ۲ نفر از آنان برادر بوده اند، به قتل می رسند. فرماندار شهرستان صحنه بیان کرد: فرد قاتل با همراهی شخص دیگری با استفاده از یک دستگاه خودرو که فاقد پلاک بوده است، از محل متواری می شود و تلاش پلیس برای دستگیری وی ادامه دارد. شهپازی در پایان گفت: صحنه یکی از شهرستان های زیبای استان کرمانشاه است که به باغ شهر این استان معروف است و مردمان شهرستان صحنه، مردمانی خونگرم، آرام و مهمان نوازند. این شهرستان همیشه مقصد اصلی گردشگران مختلف از اقصی نقاط ایران اسلامی بوده است. صحنه در ۵۵ کیلومتری شرق کرمانشاه قرار دارد.

سرپرست فرمانداری شهرستان صحنه گفت: به دنبال اختلاف خانوادگی، سه جوان در این شهرستان به قتل رسیدند و قاتل متواری شده است. به گزارش تابناک، «غلامرضا شهپازی» روز یکشنبه در گفت و گو با خبرنگاران در خصوص این درگیری، اظهار کرد: روز گذشته به دلیل درگیری بین جوانان ۲ خانواده، سه نفر کشته شدند. وی افزود: این درگیری به دلیل اختلافات قبلی بوده که همچنان استمرار داشته است. فرماندار شهرستان صحنه تصریح کرد: در نهایت روز گذشته درگیری اولیه به بهانه اختلاف بر سر قیمت فروش محصول باغ گیلاس آغاز و منجر به زد و خورد شد که با وساطت اطر افيان مسئله حل می شود. شهپازی ادامه داد: اما ساعاتی بعد یکی از این افراد با مراجعه مجدد به محل درگیری با